



دانشگاه سوادکوه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه فلسفه

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
در رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی دیدگاه‌های فایده‌باوران کلاسیک و ابن حزم اندلسی

استاد راهنما

دکتر محسن جاهد

استاد مشاور

دکتر سحر کاوندی

نگارنده

امیر حسین تقی پور جاوی

مهر ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ مدرس،

معلم زنگیچ و

ماہر عزیزم کہ ہوا لڑہ با

زحماتش آراسی و محبت رابہ

من لارزانی کرو۔

تقدیر و تشکر

سپاس خدای را عزوجل که طاعتش موجب غربت است و به شکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو می رود بمد حیات است و چون برآید مفرح ذات، پس بر هر نفسی دو نعمت است و بر هر نعمتی شکری واجب.

شکر و سپاس خدای را که به من نعمت زیستن و آموختن عطا فرمود و این نعمت بزرگ را نصیبم کرد تا قطره ای از اقیانوس بیکران علم و دانش در وجودم ریشه بدواند.

در ابتدا صمیمانه از زحمات بی دریغ و برادرانه استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر محسن جاهد که با راهنمایی های ارزنده و گرانقدر خویش، اینجانب را در تمامی مراحل نگارش این پایان نامه یاری نمودند تقدیر و تشکر می نمایم. بدون شک اگر کمک و راهنمایی این بزرگوار نمی بود انجام این پایان نامه بر این حقیر غیر ممکن می شد.

از زحمات بی شائبه استاد محترم مشاور سرکار خانم دکتر سحر کاوندی که بنده را در راه تدوین این پژوهش یاری کردند تقدیر و تشکر می نمایم.

در ضمن از دوستان گرامی آقایان کاظم جباری، حمیدرضا نجفی، سعید حسنی، رضا فرهی و همچنین سایر دوستان و همکاران که در تمامی مراحل انجام این کار بنده را یاری نمودند تقدیر و تشکر می نمایم.

چکیده

این پایان‌نامه به بررسی دیدگاه‌های فایده‌باوران کلاسیک (جرمی‌بنتام و جان استوارت میل) و ابن حزم می‌پردازد. فایده‌گرایی یکی از نظریه‌های مهم و مشهور در حوزه فلسفه اخلاق و اخلاق هنجاری است. فایده‌گرایی بر اصل فایده و سود مبتنی است و مقصودش از فایده و سود، لذت و شادکامی است، و بر همین مبنا، مدعی است: تنها عمل و قاعده‌ای درست و الزامی است که بالاترین و بیشترین شادکامی و سعادت را برای بیشترین افراد جامعه ذی‌ربط در پی داشته باشد. فایده‌گرایی یکی از نظریه‌های غایت‌گرایانه و پیامدگرایانه در زمینه اخلاق هنجاری است که از این نظر، رقیب نظریه‌های وظیفه‌گرایانه و اخلاق فضیلت مدار به شمار می‌آید.

فایده‌گرایی تاریخی دیرینه دارد اما فایده‌گرایی کلاسیک در اوائل قرن هجدهم مطرح گردید، و جرمی بنتام و جان استوارت میل مهم‌ترین طرفداران این نظریه فلسفی بوده‌اند. فایده‌گرایی در معنی اصطلاحی آن به دسته‌ای از نظریه‌های اخلاقی و خصوصاً نظریه اخلاقی و سیاسی جرمی بنتام و جان استوارت میل - دو فایده‌گرای سرشناس سنتی در اوائل قرن هجدهم - اطلاق می‌شود و در واقع نظریه غایت‌گرایانه‌ای است که مبتنی بر اصل بیشترین شادکامی و فایده و سود است. همچنین آنها معتقدند که لذت و الم قابل اندازه‌گیری و ارزیابی است. جرمی بنتام آنجا که کوشیده است تا نوعی محاسبه لذت‌گرایانه از لذات و آلام را با استفاده از هفت بعد شدت، دوام، قطعیت یا عدم قطعیت، قرابت یا دوری، باوری، خلوص، گستردگی عملی سازد این معنا را به روشنترین وجه تصدیق می‌کند. جان استوارت میل تا حدی در واکنش به این دیدگاه و برای پاسخگویی به ایرادهایی که مخالفین بر علیه این نظریه ارائه دادند، کوشیده علاوه بر کمیت، کیفیت را نیز در ارزشیابی لذت‌ها وارد کند. فایده‌گرایی در قرن نوزدهم و بیستم مورد توجه بوده و در فلسفه اخلاق قرن حاضر نیز تاثیر فراوان داشته و پیروان بسیاری دارد. فایده‌گرایی اخلاقی تقریرهای مختلف و نیز شاخه‌های متنوعی از قبیل فایده‌گرایی لذت‌گرایانه، آرمانی، ترجیحی، سکولار و الهیاتی دارد و نیز به دو قسم مشهور

عمل محور و قاعده محور تقسیم می‌شود. فایده‌گرایی در معرض بسیاری از انتقادات و اشکالات از جمله ناکارآمدی در ارزیابی لذت‌ها و آلام و نیز عدالت توزیعی است.

در جهان اسلام نیز ابن حزم اندلسی دارای گرایش‌ها و نگاهی فایده‌گرایانه بوده و در کتاب خویش با عنوان «الاخلاق و السیر» بارها بر اصل منفعت و زیان تکیه کرده و از عبارتهای «لافائده فیه» و «لامنفعه فیه» استفاده کرده است. مقصود وی از فایده «دور کردن غم و اندوه» می‌باشد و بر این باور است که تمام انسان‌ها در همه‌ی افعالی که انجام می‌دهند هدفی جز دور کردن غم و اندوه ندارند. از این رو در برخی از جنبه‌ها با دیدگاه فایده‌باوران کلاسیک سازگاری دارد.

واژگان کلیدی

نظریه غایت‌گرایی، فایده‌گرایی، فایده‌باوران کلاسیک، فایده، لذت، جرمی‌بنتام، جان استوارت میل، ابن حزم، طرد الهم.

بخش اول. جایگاه و تاریخچه فایده‌گرایی

۱	فصل اول. جایگاه فایده‌گرایی در بین نظریه‌های هنجاری	۱
۲	۱-۱- اخلاق، علم اخلاق	۲
۴	۲-۱- فلسفه اخلاق	۴
۶	۱-۲-۱- اخلاق توصیفی	۶
۶	۲-۲-۱- فرا اخلاق	۶
۷	۱-۲-۲-۱- نظریات توصیفی	۷
۷	۱-۱-۲-۲-۱- نظریه‌های طبیعت‌گرایانه اخلاقی	۷
۸	۲-۱-۲-۲-۱- طبیعت‌ناگرایی اخلاقی	۸
۹	۲-۲-۲-۱- نظریه‌های غیرشناختی یا غیرتوصیفی	۹
۹	۱-۲-۲-۲-۱- احساس‌گرایی	۹
۱۰	۲-۲-۲-۲-۱- توصیه‌گرایی	۱۰
۱۱	۳-۲-۱- اخلاق هنجاری	۱۱
۱۱	۱-۳-۲-۱- نظریه‌های وظیفه‌گرایانه	۱۱
۱۲	۱-۱-۳-۲-۱- وظیفه‌گرایی عمل‌نگر	۱۲
۱۳	۲-۱-۳-۲-۱- وظیفه‌گرایی قاعده‌نگر	۱۳
۱۳	۱-۲-۱-۳-۲-۱- نظریه‌های امرالهی	۱۳
۱۵	۲-۲-۱-۳-۲-۱- نظریه وظیفه‌گرایانه کانت	۱۵
۱۶	۱-۳-۲-۱- اخلاق فضیلت	۱۶
۱۷	۲-۳-۲-۱- نظریه‌های غایت‌گرایانه	۱۷
۱۸	۱-۲-۳-۲-۱- پیامدگرایی	۱۸
۱۸	۱-۱-۲-۳-۲-۱- خودگرایی اخلاقی	۱۸
۱۹	۲-۱-۲-۳-۲-۱- دیگرگرایی	۱۹
۲۰	۳-۱-۲-۳-۲-۱- همه‌گروی و فایده‌گرایی	۲۰
۲۱	۱-۳-۱-۲-۳-۲-۱- فایده‌گرایی لذات‌گرایانه و آرمان‌گرایانه	۲۱
۲۱	۲-۳-۱-۲-۳-۲-۱- نظریه فایده‌گرایی عمل‌محور و قاعده‌محور چیست؟	۲۱
۲۲	۱-۲-۳-۱-۲-۳-۲-۱- فایده‌گرایی کلاسیک عمل‌محور و قاعده‌محور	۲۲
۲۵	۲-۲-۳-۱-۲-۳-۲-۱- فایده‌گرایی قاعده‌محور واقعی و آرمانی	۲۵

- ۲۶ ۱-۲-۳-۲-۱-۳-۳-۳- فایده‌گرایی خودگرایانه و کل‌گرایانه
- ۲۶ ۱-۲-۳-۲-۱-۳-۴- فایده‌گرایی حداقل و حداکثری
- ۲۸ ۱-۲-۳-۲-۱-۳-۵- فایده‌گرایی ایجابی و سلبی

فصل دوم. سیر تاریخی فایده‌گرایی

- ۳۲ ۱-۲- زمان و زمینه‌های فایده‌گرایی
- ۳۴ ۲-۲- فایده‌گرایی الهیاتی
- ۳۵ ۲-۲-۱- آبراهام تاگر
- ۳۶ ۲-۲-۲- پریستلی و پالی
- ۳۷ ۲-۳- فایده‌گرایی ضد دینی
- ۳۸ ۲-۳-۱- هاچسن
- ۳۹ ۲-۳-۲- هلوسیوس
- ۴۰ ۲-۳-۳- هیوم
- ۴۳ ۲-۳-۴- گادوین
- ۴۴ ۲-۳-۵- بنتام و میل
- ۴۶ ۲-۳-۶- هربرت اسپنسر
- ۴۸ ۲-۳-۷- فایده‌گرایی شهودی هنری سیجویک
- ۴۹ ۲-۴- فایده‌گرایی در قرن بیستم
- ۵۰ ۲-۴-۱- فایده‌گرایی آرمانی مور و راشدال
- ۵۱ ۲-۴-۲- فایده‌گرایی ترجیحی هر
- ۵۳ ۲-۴-۳- پیتر سینگر

بخش دوم. فایده‌گرایی کلاسیک

فصل اول. فایده‌گرایی جرمی بنتام

- ۵۶ ۱-۱- جرمی بنتام پدر فایده‌گرایی
- ۵۹ ۱-۲- اصل فایده از دیدگاه بنتام
- ۶۲ ۱-۳- بنتام و شادکامی چه کسانی؟
- ۶۳ ۱-۴- اثبات اصل فایده‌گرایی
- ۶۵ ۱-۵- اصول مغایر با اصل فایده
- ۶۶ ۱-۵-۱- اصل زهدگرایی
- ۶۷ ۱-۵-۲- اصل ترحم و انزجار
- ۶۸ ۱-۶- محاسبه‌ی لذت

فصل دوم. فایده‌گرایی جان استوارت میل

- ۷۵ ۱-۲- فایده‌گرایی جان استوارت میل
- ۷۶ ۲-۲- زندگی میل و تحول و تکامل دیدگاه‌هایش
- ۷۸ ۳-۲- نظریه فایده‌گرایی جی. اس. میل
- ۸۲ ۴-۲- بعد کیفی میل در ارزیابی لذات و آلام
- ۸۷ ۵-۲- میل کل‌گرا
- ۸۸ ۶-۲- سعادت‌گرایی جان استوارت میل
- ۸۹ ۵-۲- دلیل میل برای اصل فایده
- ۹۳ ۶-۲- جان استوارت میل و ارتباط میان عدالت و فایده
- ۹۵ ۱-۶-۲- طبیعت عدالت
- ۹۶ ۲-۶-۲- حق و امنیت پایان عدالت میل

فصل سوم. بررسی انتقادات و پاسخ‌ها

- ۱۰۵ ۱-۳- ناکارآمدی ماشین لذت‌سنج بن‌تام
- ۱۰۶ ۲-۳- برخی انتقادات بر نظریه فایده‌گرایی و پاسخ‌های میل
- ۱۰۷ ۲-۲-۳- فایده‌گرایی آموزه‌ای شایسته‌خوک
- ۱۰۸ ۳-۲-۳- فایده‌گرایی و ناکافی بودن فرصت محاسبه
- ۱۰۹ ۴-۲-۳- شادکامی امری دست‌نیافتنی
- ۱۰۹ ۵-۲-۳- فایده‌گرایی و بی‌احساسی و بی‌عاطفگی انسان‌ها
- ۱۱۰ ۶-۲-۳- فایده‌گرایی یک آموزه‌ی کفرآمیز
- ۱۱۱ ۷-۲-۳- استثنائات شخص فایده‌گرا
- ۱۱۲ ۳-۳- فایده‌گرایی و نقض عدالت توزیعی
- ۱۱۵ ۴-۳- مغالطه‌ی ترکیب
- ۱۱۶ ۵-۳- پیامدهای تصادفی و طبیعی عمل
- ۱۱۶ ۵-۳- مغالطه‌ی طبیعت‌گرایانه
- ۱۱۹ ۱-۵-۳- فایده‌گرایی، اخلاق طبیعت‌گرایانه

بخش سوم. ابن‌حزم اندلسی و ارزیابی نهایی

- ۱۲۲ ۱-۳- ابن‌حزم اندلسی
- ۱۲۳ ۲-۳- فضایل و رذایل از دیدگاه ابن‌حزم
- ۱۲۳ ۳-۳- نظریه "طرد‌الهم"
- ۱۲۴ ۴-۳- ابن‌حزم، بن‌تام و اپیکوریان
- ۱۲۵ ۵-۳- طرد‌الهم ابن‌حزم و سازگاری با دیدگاه میل
- ۱۲۶ ۶-۳- ابن‌حزم و راه‌رهایی از غم و اندوه
- ۱۲۶ ۷-۳- اصل منفعت و زیان
- ۱۲۷ ۸-۳- ابن‌حزم، فایده‌گرای الهیاتی در تقابل با فایده‌گرایی ضد‌دینی کلاسیک

۱۲۸ ۹-۳- وحدت‌گرایی ابن حزم و فایده‌گرایی کلاسیک
۱۲۹ ۱۰-۳- تنها ابزار برای رفع غم و اندوه از دیدگاه ابن حزم
۱۲۹ ۱۱-۳- بررسی تمایز میان لذات در دیدگاه بنتام، میل، ابن حزم
۱۳۰ ۱۲-۳- فایده‌گرایی کلاسیک و ابن حزم و رابطه‌ی آنها با الزام و ارزش
۱۳۱ ۱۳-۳- میزان انتقادات وارد بر ابن حزم در مقایسه با فایده‌گرایی کلاسیک
۱۳۳ نتیجه‌گیری
۱۳۶ منابع و مأخذ

بخش اول

جایگاه و تاریخچه

فایده‌گرایی

فصل اول



جایگاه فایده‌گرایی در بین نظریه‌های هنجاری

۱-۱- اخلاق، علم اخلاق

پاره‌ای از مسائلی که امروزه فلسفه‌ی اخلاق خوانده می‌شود، از دیرباز موضوع اندیشه‌ی دانشوران بزرگی چون سقراط، افلاطون و ارسطو در مغرب زمین و ابن‌سینا و خواجه نصیرطوسی در مشرق زمین بوده است، اما فلسفه اخلاق به مثابه دانشی مستقل، مولودی نوپاست که در مغرب زمین تولد یافت و بسرعت رشد نمود و جایگاهی والا در اندیشه‌ی معاصر برای خود بدست آورد. برای درک اهمیت موضوع می‌توان به این امر اشاره کرد که اکثریت فلاسفه و دانشمندان علوم اجتماعی و گرایش‌های دیگر به این واقعیت دست یافته‌اند که ریشه مشکلات خرد و کلان ما به بحران‌های اخلاقی باز می‌گردد که در پیدا و پنهان روح و ذهن نهادینه شده است. اما پیش از آنکه بخواهیم درباره این امر که فلسفه اخلاق چیست، بحث کنیم؛ نخست به موضوع فلسفه اخلاق که همان اخلاق می‌باشد می‌پردازیم.

اخلاق: واژه «اخلاق» در اخلاق اسلامی جمع «خلق» و در لغت به معنای «سرشت» و «سجیه» است. معنای این واژه در فرهنگ عالمان اخلاق در جهان شرق نزدیک به معنای لغوی و برگرفته از آن است. ابوعلی مسکویه در کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق بیان می‌کند: «الخلق حال النفس داعیه لها الی افعالها من غیر فکر و لارویه»: «خلق حالی است برای جان انسانی که او را بدون فکر و تأمل بسوی کارهایی بر می‌انگیزاند» (ابن مسکویه، ۱۳۸۱: ۵۱).

با دقت در تعریف یاد شده دانسته می‌شود:

- خلق ممکن است خوب یا بد باشد. سخاوت و شجاعت در زمره خلق‌های نیک و بخل و ترس در زمره خوی‌های بد است.
- خلق چگونگی و هیأتی برای نفس است که در او پایدار و ماندگار شده است. حالات نفس خلق نامیده می‌شد.
- هر خلقی منشأ صدور پاره‌ای افعال مناسب با خود می‌باشد.
- صدور این افعال از نفس، بدون تأمل و اندیشه است.

اما در مغرب زمین برای اخلاق از اصطلاحات Moral و Ethics به زبان یونانی و لاتین استفاده می‌کنند و معنایش برگرفته شده از عقیده به «عادت» است. اگر چه گاهی فیلسوفان این اصطلاحات را به یک معنا به کار می‌برند اما بسیاری از آنان میان Ethics, Morality, Moral philosophy تمایز قائل می‌شوند (پویمان، ۱۳۷۸: ۳۸).

اکنون که مقصود از اخلاق را دانستیم باید علم اخلاق را تعریف کنیم. از کلمات ابوعلی مسکویه در بیان غرض و فایده علم اخلاق می‌توان این علم را چنین تعریف کرد: «علم اخلاق، دانش اخلاق و سجایایی است که موجب می‌شود جمیع کردار انسان زیبا باشد و در عین حال آسان و سهل از او صادر می‌شود...» (ابن مسکویه، ۱۳۸۱: ۲۷).

از این سخن ابن مسکویه می‌توان نتیجه گرفت علم اخلاق، دانشی است که به آدمی می‌آموزد:

- خلق‌های پسندیده و خوی‌های ناپسند کدام است.
- راه پیراستن نفس از خلق‌های ناپسند چیست.
- روش آراستن نفس به سجایای پسندیده کدام است. اما امر مهم نزد عالمان اخلاق مسلمان همان آراستن نفس به خلق‌های پسندیده است.

اما عالمان مغرب زمین علم اخلاق را امری مربوط به رفتار آدمی دانسته‌اند نه سجایای او. ژکس^۱ می‌نویسد: «علم اخلاق عبارت است از تحقیقی در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد» (شیروانی، ۱۳۷۸: ۱۲). در حقیقت آن‌ها سرچشمه اخلاق را در زندگی روزمره می‌جویند. در مغرب زمین، بحث از رفتار انسان، همان چیزی است که نام «اخلاق» نزدیکترین پیوند را با آن دارد. بدون شک، رفتار تا حد فراوانی عام‌ترین و دل‌نشین‌ترین موضوع احکام اخلاقی است. در نتیجه هر انسانی که با اوضاع و احوال خاصی در زندگی روزانه خود روبرو است، به اندازه‌ای که درباره آن می‌اندیشد یک فیلسوف اخلاق است.

فولکیه^۲ نیز در تعریف علم اخلاق جنبه رفتار را مورد توجه قرار می‌دهد و علم اخلاق در نظر وی چنین است: «مجموع قوانین رفتار که انسان بواسطه مراعات آن می‌تواند به هدفش نایل آید» (مدرسی، ۱۳۷۱:

۱۸). از این رو همان‌گونه که از این بیان فهمیده می‌شود فیلسوفان غربی، نفس افعال و رفتار انسانی را مورد توجه قرار دادند. حتی در مواردی تصریح کرده‌اند که در علم اخلاق قواعدی را بررسی می‌کنیم که انسان با تعقل و تدبر باید رفتار خود را بر آن‌ها منطبق کند و این تصریح با آنچه که علمای اخلاق و فلاسفه مسلمان مطرح کردند، مبیانت دارد.

۱-۲- فلسفه اخلاق

فلاسفه از این که «اخلاق»^۱ یا «فلسفه اخلاق»^۲ چیست و در نهایت چه باید باشد، همیشه تصورات گوناگونی داشته‌اند. آدمیان همواره به غذا، گرما، سرپناه و رابطه جنسی نیاز داشته‌اند و چیزهایی که این نیازهای اساسی را ارضاء می‌کنند پیوسته برای ما ارزشمند بوده‌اند. ولی ما آدمیان در مرحله‌ای از تاریخ، رفته رفته این امور را ارزشمند تصور کرده‌ایم. با این عمل مفهوم‌سازی آغاز شد و مفهوم خوبی یا خیر (Goodness) به وجود آمد. این قابلیت مفهوم‌سازی و تفکر، فلسفه اخلاق را امکان‌پذیر می‌کند.

پی. ایچ. ناول-اسمیت^۳ در کتاب پر خواننده خویش، «فلسفه اخلاق» (۱۹۵۴) استدلال می‌کند که در گذشته فلاسفه می‌خواستند هدایت کلی در خصوص این که چه باید کرد، چه چیزی را باید دنبال کرد و چگونه رفتاری با دیگران باید داشت، بدست دهند. این بدان معناست که فلاسفه‌ای همچون افلاطون^۴، ارسطو^۵، اپیکور^۶، هابز^۷ و جوزف باتلر^۸ معتقد بوده‌اند که می‌توانند نوعی معرفت کلی ولی سرنوشت‌ساز درباره‌ی خوب و بد اظهار و ابلاغ کنند. اعتقاد ایشان بر آن بوده است که چیزی همچون یک قانون‌نامه‌ی اخلاقی راستین یا نوعی نظام اخلاقی هنجاری وجود دارد و فلاسفه می‌توانند نشان دهند که آن قانون‌نامه یا نظام‌نامه کدام است. از دیدگاه ایشان، وظیفه فیلسوف اولاً و بالذات عبارت است از ارائه

۱. Ethics.

۲. Moral Philosophy.

۳. P.H. Nowell Smith .

۴. Plato.

۵. Aristotle.

۶. Epicurus.

۷. Hobbs.

۸. Joseph Butler.

منظومه‌وار اصول اولیه اخلاق و نشان دادن این که چگونه توجیه این اصول ممکن است (ادواردز، ۱۳۷۸: ۱۵).

در اینجا می‌توان به تفاوت میان تفکرات انسان عادی که درباره‌ی احوال زندگی روزانه خود می‌اندیشد و فیلسوف اشاره کرد که فیلسوف غالباً منظم‌تر و معمولاً کلی‌تر می‌اندیشد که از این رو برای فهم اخلاق در هر کدام از صورت‌های آن مستلزم حداقل درکی مقدماتی از ماهیت اخلاق است. بدین‌سان اگر بخواهیم تعریف جامع از فلسفه اخلاق ارائه دهیم می‌توان اظهار کرد فلسفه اخلاق عبارت است از تلاش در جهت نیل به درکی نظام‌مند از ماهیت اخلاق و آنچه اخلاق از ما می‌طلبد (ریچلز، ۱۳۷۸: ۱۲).

اما در واقع تا حدودی مسلم است که بدون پیش کشیدن انواع سؤالاتی که فلسفه اخلاق طرح می‌کند نمی‌توان به فهم کامل اخلاق دست یافت. سؤالاتی از قبیل زندگانی خوب برای همه آدمیان چگونه زندگانی است؟ غایت و مقصد تلاش همه آدمیان چیست؟ آیا آن غایت و هدف، افزایش لذت است؟ آیا سعادت است؟ یا انجام وظیفه و تکلیف؟ با وجود این، دیدگاه سنتی‌ای که درباره فلسفه اخلاق وجود دارد آن است که فلسفه اخلاق، از قدیم، غایتی علمی داشته است، معرفت اخلاقی نه همچون معرفت نظری محض به پدیده‌های اخلاقی، بلکه همچون معرفت عملی درباره این که چگونه باید زیست، تصور شده است. هدف این نبوده است که ما صرفاً بدانیم خوبی چیست، بلکه این بوده است که خوب شویم. با وجود این در ظرف این برداشت سنتی از وظیفه فلسفه اخلاق، اختلاف نظری‌های مهمی طرح شده است. فیلسوفانی چون کانت، هنری سیجویک بر خلاف بنتام و نیچه بر این واقعیت که هدف فلاسفه کشف حقایق نو نیست، تأکید ورزیده‌اند. آنها معتقد بوده‌اند که فلاسفه اخلاق می‌باید تبیین منظومه‌وار از معرفتی که انسان از قبل واجد است، ارائه کنند. فلاسفه اخلاق باید بکوشند تا منطق نهایی معرفت اخلاق و شیوه عمل‌هایی را که انسان از قبل واجد است، یکنواخت کرده و نشان دهند (ادواردز، ۱۳۷۸: ۱۶).

از سوی دیگر می‌توان بیان کرد فلسفه اخلاق کوشش منطقی برای درک مفاهیم اخلاقی و برای توجیه اصول اخلاقی است. فلسفه اخلاق می‌کوشد به تجربه و تحلیل مفاهیمی مانند «درست»، «نادرست»، «التزام»، «نیک»، «شر» در زمینه‌های اخلاقی‌شان پردازد. فلسفه اخلاق برای تثبیت و بنیاد اصول رفتار

درست که ممکن است مانند عملی در خدمت افراد یا گروه‌ها باشد، فعالیت می‌کند. همچنین فلسفه اخلاق راجع به ارزش‌های جاری زندگی یا اجتماع تحقیق می‌کند تا دریابیم کدام ارزش‌ها و فضایل مهمتر هستند. با توجه به مطلب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت فلسفه اخلاق، تفکر درباره طبیعت اخلاق، مسائل و احکام اخلاق است. اما از آنجا که هرگونه پژوهش و اندیشه‌ی درباره اخلاق در قلمرو فلسفه اخلاق قرار نمی‌گیرد، شایسته است با ذکر انواع پژوهش‌های اخلاقی، حوزه‌ی آن را روشن کنیم.

۱-۲-۱- اخلاق توصیفی^۱

اخلاق توصیفی پژوهشی است که مقصود آن شرح یا توصیف پدیده اخلاق است. چنین پژوهشی که معمولاً با روش تجربی به انجام می‌رسد، توسط مردم شناسان، تاریخ‌دانان و جامعه‌شناسان صورت می‌گیرد. این پژوهش مستقیماً به توصیف نظام‌ها و اصول اخلاقی موجود در جوامع و افراد مختلف می‌پردازد و درصدد ارائه دستور اخلاقی نیست. اگر بخواهیم این اخلاق توصیفی را به صورت جامع‌تری تعریف کنیم می‌توان بیان کرد: اخلاق توصیفی عبارت است از تحقیق تجربی-توصیفی، علمی-تاریخی از نوع تحقیقاتی که انسان شناسان، مورخان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان در زمینه‌های اخلاقی انجام می‌دهند. هدف اخلاق توصیفی، توصیف یا تبیین نظام‌ها و اصول اخلاقی موجود و متبع از سوی افراد و جوامع و از رهگذر آن دستیابی به نظریه‌ای در باب سرشت اخلاقی انسان است (وارنوک، ۱۳۸۰: ۱۷).

در واقع اخلاق توصیفی به جای «باید» در مورد «هست» سخن می‌گوید.

۱-۲-۲-۱- فرا اخلاق

این علم با نام‌های متعددی مانند اخلاق تحلیلی^۲، اخلاق نقدی^۳ و فلسفه اخلاق^۴ از آن یاد می‌شود. آنچه در این علم بررسی می‌شود مسائل منطقی و معرفت‌شناختی است که در مجموع، مبادی تصویری و

1. Descriptive Ethics#

۲. Analytical ethics.

۳. Critical ethics

۴. Moral Philosophy

تصدیقی علم اخلاق را فراهم می‌آورد و معیارهای لازم را برای نقد اخلاق دستوری در اختیار می‌نهد. به عبارتی، فلسفه اخلاق، منطق اخلاق است (وارنوک، ۱۳۸۰: ۳۷).

اما فرا اخلاق غالباً به دو دسته از نظریات می‌پردازد: ۱- نظریات غیرتوصیفی یا غیرشناختی ۲- نظریات توصیفی یا شناختی.^۱

۱-۲-۲-۱- نظریات توصیفی

نظریات توصیفی گزاره‌های اخلاقی را خبری و در نتیجه صدق و کذب پذیر می‌داند. افراد قائل به این گروه از نظریات که به رئالیست‌های اخلاقی معروف‌اند، تأکید می‌کنند که واقعیت اخلاقی مستقل از اعتقادات ما است و مفاهیم اخلاقی جزئی از جهان می‌باشند. بنابراین ما می‌توانیم صدق و کذب گزاره‌های اخلاقی را بواسطه واقعیت اخلاقی معین کنیم و با تلاش‌های فلسفی بکوشیم تا ارزش‌ها را کشف کنیم (هر، ۱۳۸۳: ۱۴).

در مقابل این گروه، صاحبان نظریه‌های غیرتوصیفی یا غیرشناختی بر این باورند که گزاره‌های اخلاقی، اخباری نیستند و صدق و کذب به معنای رایج را در بر نمی‌گیرند. در نتیجه، گزاره‌های اخلاقی، کارکرد جمله‌های خبری را ندارند و به جمله‌های انشایی شباهت بیشتری دارند. در قلمرو نظریه‌های توصیفی یا شناختی می‌توان به نظریه‌های توصیفی طبیعت‌گرایانه و نیز شهودگرایی اشاره کرد (همان).

۱-۲-۲-۱-۱- نظریه‌های طبیعت‌گرایانه اخلاقی^۱

این نوع نظریات همه مفاهیم اخلاقی را با استفاده از مفاهیم زیست‌شناختی یا روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی و... تعریف و تحلیل می‌کند. این نوع از نظریات بر آنند که تمامی گزاره‌های اخلاقی را می‌توان به گزاره‌های غیراخلاقی و به طور اخص به گزاره‌های ناظر به واقع که قابل اثبات‌اند، برگرداند (پالمر، ۱۳۸۵: ۳۲).

به هر حال معروف‌ترین اشکال بر طبیعت‌گرایی اخلاقی از جانب جی. ای. مور^۲ (۱۸۷۳-۱۳۹۵ م) مطرح شده است. مور در کتاب خویش، « مبانی اخلاق »^۳ به این اشکال می‌پردازد و آن را مغالطه طبیعت‌گرایی^۴ عنوان می‌کند.

طبیعت‌گرایی اخلاقی بر این باور است که احکام اخلاقی گزاره‌های تجربی صادق یا کاذب‌اند که وصف‌های تجربی را به عمل یا شخص نسبت می‌دهد و از این رو «خوب» را بر حسب این وصف یا وصف‌ها تعریف‌پذیر می‌داند. به عقیده‌ی مور، هر چند ممکن است وصف‌هایی با وصف «خوبی» در مورد شخص یا عملی صدق کند، اما هیچ‌گاه نمی‌توان خوبی را با آن وصف‌ها تعریف کرد. کسانی که واژه‌ی «خوبی» را بر حسب وصف‌های دیگری تعریف می‌کنند به مغالطه طبیعت‌گرایانه دچار شده‌اند (مور، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

۱-۲-۱-۲- طبیعت‌ناگرایی اخلاقی^۵

مور پس از آن که نشان داد در همه صور طبیعت‌گرایی اخلاقی، مغالطه طبیعت‌گرایانه نهفته است به بیان نظریه اخلاقی خود پرداخت. نظریه‌ی او به طبیعت‌ناگرایی یا شهودگرایی^۶ اخلاقی معروف است. مور بر این باور بود که صرفاً با توجه به «سلوک و رفتار» کاری انجام نمی‌گیرد، زیرا ما نمی‌توانیم دریابیم که چه چیزی خوب است مگر این که نخست معنای «خوب» را بدانیم. به عقیده‌ی مور واژه‌ی «خوبی» به ازای وصفی قرار می‌گیرد و تلاش وی این است که ماهیت آن وصف را تعیین کند. پاسخ مور در نهایت این است که وصف خوب، محمولی بسیط، تحلیل‌ناپذیر و تعریف‌ناپذیر است (مور، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

همچنین پاسخ وی به این پرسش که چگونه می‌توان «خوبی» را درک کرد، این است که ما یا مستقیم و بدون واسطه یا با واسطه و غیر مستقیم خوبی را درمی‌یابیم و نیز در مورد امور درست، مور معتقد است

/#ethical Naturalism#

۲. J. E. Moor

۱.#Principia Ethics

۲.Naturalistic#Fallacy

۵. Ethical Non- Naturalism

۶. Intuitionism

هر عملی که از بین عمل‌های همسان بیشترین مقدار خوبی را به بار می‌آورد، عملی درست است (هر، ۱۳۸۳: ۱۶).

با توجه به مطالب فوق، خلاصه نظریات مور این است :

- مور به عینیت مقوله‌های اخلاقی معتقد است و به هیچ‌وجه مبنای اخلاقی را بر نظرها و احساس‌های فردی نمی‌گذارد. به تعبیر دیگر جمله‌های اخلاقی اخباری‌اند نه انشایی. واژه‌های اخلاقی بخشی از آرایش جهان را برای ما حکایت می‌کنند و ما برای کشف چهره ارزشی‌ای که در خارج وجود دارد تلاش می‌کنیم.
- خوبی کیفیتی بسیط و غیرقابل تحلیل و تعریف است و با هیچ روش تجربی یا عقلانی نمی‌توان وجود آن را دریافت. تنها راه شناخت خوبی، شهود است.
- نظریه مور در باب الزام، یک نظریه نتیجه‌گرایانه است، زیرا عمل درست براساس نتیجه‌ها مشخص می‌شود.

۱-۲-۲-۲- نظریه‌های غیر شناختی یا غیر توصیفی

طبیعت‌گرایی اخلاقی و طبیعت‌ناگرایی اخلاقی، هر دو از نظریه‌های شناختی و توصیفی فرا اخلاق‌اند، هر دو برآنند که گزاره‌های اخلاقی بیانگر نوعی شناخت هستند. در قرن حاضر، رهیافت دیگری از نظریه فرا اخلاق به میان آمد که هرچند با طبیعت‌گرایی میانه‌ای نداشت، اما موافق و پیرو کامل مور هم نبود. احساس‌گرایی و توصیه‌گرایی به این رهیافت باز می‌گردند.

۱-۲-۲-۱- احساس‌گرایی^۱

نخستین کسانی که در جوامع انگلیسی زبان، نظریه احساس‌گرایی را بیان کردند، ای. آ. ریچاردز^۱ با کتاب خویش با عنوان معنای معنا^۲ و برتراندراسل^۳ بودند، اما در دنیای انگلوساکسون، آیر^۴ با کتاب خویش با

^۱.Emotivism